

**حسن فتحی نیز در ورود به شبکه خانگی و در فصل اول «شهرزاد»، باز گونه تاریخی را استانداردتر از همین چیرانی ارائه می دهد که احتمالا فراوان هزینه اش شده فقط اینجا برخلاف تلویزیون، انگار از آن نظارت کیفی منجر به تولید سریال هایی مثل «زمانه» «پهلوانان نمی میرند» و «شب دهم»، خبری نیست و به جای داشتن نگاه مولفانه در سریال سازی منطبق با آموزه های ایرانی، نوعی تقلید از سریال های ماهواره ای به چشم می خورد**



## زمانه ای دست یافتنی؟!؟



**بازپخش سریال زمانه از شبکه آی فیلم ۲، بیش و پیش از هر چیز یادآوری زمانه ای از دست رفته است. زمانه ای که کارگردانان منضج یافته در تلویزیون هم و غم خود را برای مخاطب رسانه ملی می گذاشتند و در این بین حتی اگر به جای سریال های تاریخی پرهزینه، ملودرام های میانه می ساختند باز هم در جلب مخاطب موفق بودند. سریال زمانه محصول یک دهه قبل است و آخرین محصول حسن فتحی برای تلویزیون که درست دو سال قبل از ورود فتحی به شبکه خانگی تولید شد. فتحی پیش از زمانه بیش از ۱۰ سریال مختلف برای تلویزیون تولید کرده و در زمانه به بلوغ کامل رسیده بود؛ بلوغی که باعث شده داستانی پر از کلیشه های تکرار شونده در مذمت خیانت و بدعهدی و عشق و عاشقی های نافرجام را به گونه ای قابل تحمل به سریالی مطلوب طبع مخاطبان بدل کند. البته در موفقیت سریال «زمانه» نباید از نقش نویسندگانی همچون علیرضا کاظمی پور و سعید جلالی به سادگی گذشت. نویسندگانی که در نگارش سریال هایی مثل زن بابا، میوه ممنوعه، او یک فرشته بود و مسافری از هند نیز حضور داشتند.**



### حسن فتحی، کارگردانی کاردان

این که چرا «زمانه» همچنان مخاطب دارد و تماشايش لذتبخش است قطعاً بی ارتباط با سطح توانایی کارگردان است. به هر حال حسن فتحی همچنان در اجرا کارگردان کاردانی نشان می دهد و نمی شود گفت کارگردانی را فراموش کرده. پس چرا «جیران» نمی تواند آن چیزی باشد که باید؟ مساله شاید به تفاوت ساختار سریال سازی در تلویزیون و پلتفرم ها بازگردد. در تلویزیون عمدتاً تلاش می شد به غیر از تهیه کنندگان کاربلد از نوعی نظارت کیفی روزآمد برای سریال ها استفاده گردد. آن نظارت کیفی ولو به قیمت این که گاهی به ممیزی های سختگیرانه منجر می گشت ولی در نهایت سطح کیفی سریال را از حدی پایین تر نمی آورد و همین باعث می شد حتی ملودرام هایی کاملاً معمولی بتوانند مخاطب داشته باشند و مخاطب را سرگرم کنند.

البته اگر نسبی بسنجیم همچنان اغلب کارگردانانی که از تلویزیون به شبکه خانگی وارد شده اند از منظر سطح کار بسیار موجه تر از کارگردانانی هستند که بی سابقه سریال سازی در تلویزیون وارد شبکه خانگی شده اند. به عنوان مثال افرادی مثل حسین سهیلی زاده و رامین عباسی زاده و داوود میرباقری که سریال های «ملکه گدایان» «احضار» و «شاهگوش» را در شبکه خانگی ساختند به مراتب آثاری کیفی تر از جماعتی ارائه دادند که با سابقه ساخت یکی دو فیلم کوتاه و بلند، سریال ساز شدند و جالب این که تنوع گونه ای ایجاد شده در شبکه خانگی نیز مرهون چنین کارگردانانی است. سهیلی زاده برای شبکه خانگی ملودرام «ملکه گدایان» را می سازد، رامین عباسی زاده گونه دلهره آور را با «احضار» وارد شبکه خانگی می کند و از منظر استانداردسازی ترس و وحشت، تلاشی محترمانه می کند. میرباقری هم کمدی شاهگوش را با انواع و اقسام بازیگران برای شبکه خانگی می سازد و هر چه کم دارد در شخصیت پردازی و کیفیت بازیگری، کم نظیر است.

خود حسن فتحی نیز در ورود به شبکه خانگی و در فصل اول «شهرزاد»، باز گونه تاریخی را استانداردتر از همین چیرانی ارائه می دهد که احتمالا فراوان هزینه اش شده. فقط اینجا برخلاف تلویزیون، انگار از آن نظارت کیفی منجر به تولید سریال هایی مثل «زمانه»، «پهلوانان نمی میرند» و «شب دهم»، خبری نیست و به جای داشتن نگاه مولفانه در سریال سازی منطبق با آموزه های ایرانی، نوعی تقلید از سریال های ماهواره ای به چشم می خورد.

ای کاش در آینده نزدیک باز هم سریال هایی ماندگار از حسن فتحی ببینیم و باز هم بتواند خاطرات خوش مخاطبان تلویزیون را تداعی کند.

«زمانه» ترکیب بازیگران مطمئنی هم داشت؛ از بزرگانی مثل حسین محبوب و فریبا متخصص و مهرانه مهین ترابی تا جوان ترهایی نظیر هومن برق نورد، حمید گودرزی، پریناز ایزدیار و شهرام قائدی که اغلب قبل و بعد از این سریال همچنان سطحی استاندارد از بازیگری را در کار خود ارائه کردند؛ کما این که اغلب این بازیگران در «زمانه» نقش هایی را بازی کردند که بعضاً تفاوت چشمگیر داشت با سایر آثار کارنامه آنها از جمله حسین محبوب که نقشی دوپهلو و در ابتدا کاملاً منفور و به تدریج محبوب را بازی کرد یا فریبا متخصص که برخلاف همیشه نقش مادری را بازی کرد که زیاد توجهی به این ندارد که رفتار و کردارش ممکن است به نفع خانواده نباشد.

### در «زمانه» هیچ کس قهرمان نیست

فریبا متخصص بازیگر سریال زمانه همزمان با اولین پخش سریال درباره چرایی اقبال مخاطب به سریال گفته بود: وقتی کارگردان سریال شبیه یک پدر خانواده با عوامل گروهش برخورد می کند، باعث می شود که شما به عنوان بازیگر، سخت ترین شرایط کاری را بتوانید تحمل کنید. در سریال زمانه حتی برای بازیگری که قرار بوده یک سکانس در کارش بازی کند هم حساسیت و سختگیری وجود داشته و هیچ تفاوتی بین سیاهی لشکر و بازیگر نقش های اصلی اش وجود ندارد. در عین حال در سریالی مثل زمانه هیچ کس قهرمان نیست، هیچ کس سیاه و سفید نیست، همه خاکستری اند. همه به نوعی وزنه های داستان هستند و تاثیری که هر کدام بر سرنوشت دیگری می گذارد کاملاً متفاوت است.

تفاوت قائل نشدن بین بازیگر اصلی و هنرور (سیاهی لشکر) و در عین حال پرداخت واقعگرایانه از همه شخصیت ها به گونه ای

که شبیه به آدم های واقعی اجتماع باشند همان ویژگی های خوبی است که زمانی سبب ساز تولید سریال های ماندگار برای تلویزیون شد و از جمله سبب ساز تولید سریال زمانه.

سال ها بعد از تولید و پخش اول باره زمانه، نه تنها در تلویزیون بلکه در پلتفرم ها با فراوان محصول نمایشی مواجهیم که از منظر زرق و برق و رنگ و لعاب، حسایی مجذوب کننده اند ولی فقط کافی است که یکی دو اپیزود از این سریال ها را ببینیم تا دریابیم از نظر سطح بازیگری و کنارش شخصیت پردازی، چقدر عقب افتاده بوده و چقدر تنبل مآبانه تولید شده اند. برای آن که قیاس کامل تر باشد می توان همین سریال زمانه را با سریال تاره کارگردانش «جیران» مقایسه کرد. با این که اساساً جیران، سریالی ظاهرادر گونه تاریخی است ولی پایه ماجراها روایت عشقی است که یک طرفش جیران است و اضلاع دیگرش ناصرالدین شاه و سیاوش و بخش عمده زمان سریال به فراز و فرود های عشق و فراق اختصاص دارد یعنی زیربنای یک رمانس کامل در جیران وجود دارد؛ درست مانند سریال زمانه که عشق بهزاد به ارغوان پایه بسیاری از اتفاقات بود. با این حال آنچه در زمانه وجود داشت و جیران از آن بی بهره است، نداشتن داستان های جذاب منطبق با خط اصلی داستان برای شخصیت های مختلف سریال است. در زمانه نه تنها بهزاد و ارغوان داستان پیچیده زندگی خود را داشتند و هر کدام هم برای آینده، نقشه هایی دست نیافتنی در سر داشتند بلکه کاراکترهای مکمل از حسام (دایی بهزاد) گرفته تا عمه بهزاد، دخترعمو و نامزد بهزاد، منوچهر (داماد خانواده بهزاد)، مهران نیکخواه (مدیر ارغوان)، دکتر داوودی و... هر کدام داستان زندگی مخصوص خود را داشتند که شخصیت هایی ملموس برای سریال می ساخت.

در سریال جیران با این که تاریخ می توانست مجالی

